



ضمیمه ۸: صلیب و معبد

این صفحه بخشی از مجموعه‌ای است که احکام خدا را بررسی می‌کند؛ احکامی که تنها زمانی قابل اطاعت بودند که معبد در اورشلیم برپا بود.

- ضمیمه ۸a: احکام خدا که به معبد نیاز دارند
- ضمیمه ۸b: قربانی‌ها — چرا امروز قابل اجرا نیستند
- ضمیمه ۸c: اعیاد کتاب مقدسی — چرا هیچ‌یک از آن‌ها امروز قابل اجرا نیست
- ضمیمه ۸d: احکام طهارت — چرا بدون معبد قابل اجرا نیستند
- ضمیمه ۸e: دهیک‌ها و نوبرانه‌ها — چرا امروز قابل اجرا نیستند
- ضمیمه ۸f: آیین عشای ربانی — شام آخر عیسی عید فصح بود
- ضمیمه ۸g: احکام نذیر و نذرها — چرا امروز قابل اجرا نیستند
- ضمیمه ۸h: اطاعت جزئی و نمادین مرتبط با معبد
- ضمیمه ۸i: صلیب و معبد (این صفحه).

صلیب و معبد دشمن یکدیگر نیستند و دو «مرحله» هم نیستند که یکی دیگری را لغو کند. شریعت خدا جاودان است (مزامیر ۱۱۹:۸۹؛ مزامیر ۱۱۹:۱۶۰؛ ملاکی ۳:۶). نظام معبد، با قربانی‌ها، کاهنان و احکام طهارت، توسط همان شریعت جاودان عطا شد. مرگ عیسی حتی یک فرمان را لغو نکرد. بلکه ژرفای حقیقی آنچه آن فرمان‌ها از پیش می‌گفتند را آشکار ساخت. معبد برای پایان دادن به قربانی‌ها ویران نشد، بلکه به سبب داوری بر نافرمانی ویران شد (دوم تواریخ ۱۴:۳۶-۱۹؛ ارمیا ۷:۱۲-۱۴؛ لوقا ۱۹:۴۱-۴۴). وظیفه ما این است که این حقایق را با هم نگه داریم، بی‌آنکه دینی تازه اختراع کنیم که شریعت را با تصورات انسانی درباره صلیب جایگزین سازد.

تعارضِ ظاهری: بره و مذبح

در نگاه نخست، چنین به نظر می‌رسد که تعارضی وجود دارد:

- از یک سو، شریعتِ خدا که قربانی‌ها، هدایا و خدمتِ کاهنی را فرمان می‌دهد (لاویان ۱:۱-۲؛ خروج ۲۸:۱).
- از سوی دیگر، عیسی که به‌عنوان «برهٔ خدا که گناهِ جهان را برمی‌دارد» معرفی می‌شود (یوحنا ۱:۲۹؛ اول یوحنا ۲:۲).

بسیاری به نتیجه‌ای می‌پزند که کتاب مقدس هرگز آن را مطرح نمی‌کند: «اگر عیسی بره است، پس قربانی‌ها پایان یافته، معبد تمام شده، و شریعتی که آن‌ها را فرمان داد دیگر اهمیتی ندارد.»

اما خودِ عیسی این منطق را نپذیرفت. او آشکارا گفت که نیامده است تا شریعت یا انبیا را لغو کند و حتی کوچک‌ترین خطی از شریعت فرو نخواهد افتاد تا آسمان و زمین بگذرد (متی ۵:۱۷-۱۹؛ لوقا ۱۶:۱۷). آسمان و زمین هنوز برقرارند. شریعت همچنان پابرجاست. فرمان‌های مربوط به قربانی‌ها، هدایا و معبد هرگز به زبان او لغو نشدند.

صلیب، احکام معبد را پاک نمی‌کند. صلیب نشان می‌دهد که آن‌ها حقیقتاً به چه چیزی اشاره می‌کردند.

عیسی به‌عنوان برهٔ خدا – تحقق بدون لغو

وقتی یوحنا، عیسی را «برهٔ خدا» خواند (یوحنا ۱:۲۹)، پایانِ نظامِ قربانی‌ها را اعلام نکرد؛ بلکه معنای حقیقیِ هر قربانی‌ای را که تا آن زمان با ایمان تقدیم شده بود، اعلام کرد. خونِ حیوانات به‌خودیِ خود قدرتی نداشت (اول پطرس ۱:۱۸-۲۰). قدرتِ آن از اطاعت از خدا و از آنچه نمایندگی می‌کرد می‌آمد: قربانیِ آیندهٔ برهٔ حقیقی. خدا سخنی نمی‌گوید و بعد خود را نقض کند (اعداد ۱۹:۲۳).

از آغاز، آموزشِ همواره به همکاریِ دو چیز وابسته بوده است:

- اطاعت از آنچه خدا فرمان داده است (تثنیه ۱۱:۲۶-۲۸؛ حزقیال ۲۰:۲۱)
- تمهیدی که خودِ خدا برای پاکی مقرر کرده است (لاویان ۱۷:۱۱؛ عبرانیان ۹:۲۲)

در اسرائیل باستان، مطیعان به معبد می‌رفتند، قربانی‌ها را همان‌گونه که شریعت می‌خواست تقدیم می‌کردند و پاکی واقعی اما موقتیِ عهدی را دریافت می‌نمودند. امروز، مطیعان به‌وسیلهٔ پدر به‌سوی برهٔ حقیقی، عیسی، برای پاکِ جاودان هدایت می‌شوند (یوحنا ۶:۳۷؛ یوحنا ۶:۳۹؛ یوحنا ۶:۴۴؛ یوحنا ۶:۶۵؛ یوحنا ۱۷:۶). الگو همان است: خدا هرگز سرکش را پاک نمی‌کند (اشعیا ۱:۱۱-۱۵).

اینکه عیسی برهٔ حقیقی است، فرمان‌های قربانی را پاره نمی‌کند؛ بلکه ثابت می‌کند که خدا هرگز با نمادها بازی نمی‌کرد. هر آنچه در معبد بود جدی بود و همگی به واقعیتی حقیقی اشاره داشتند.

چرا قربانی‌ها پس از صلیب ادامه یافتند

اگر خدا قصد داشت قربانی‌ها را همان لحظهٔ مرگِ عیسی لغو کند، معبد همان روز فرو می‌ریخت. اما چه رخ داد؟

- حجابِ معبد دریده شد (متی ۲۷:۵۱)، اما بنا پابرجا ماند و پرستش در آن ادامه یافت (اعمال رسولان ۲:۴۶؛ اعمال رسولان ۳:۱؛ اعمال رسولان ۲۱:۲۶).
- قربانی‌ها و آیین‌های معبدی هر روز ادامه داشت (اعمال رسولان ۳:۱؛ اعمال رسولان ۲۱:۲۶).
- کاهنان همچنان خدمت می‌کردند (اعمال رسولان ۴:۱؛ اعمال رسولان ۶:۷).
- اعیاد همچنان در اورشلیم نگاه داشته می‌شدند (اعمال رسولان ۲:۱؛ اعمال رسولان ۲۰:۱۶).
- حتی پس از رستاخیز، ایماندارانِ عیسی در معبد دیده می‌شدند (اعمال رسولان ۲:۴۶؛ اعمال رسولان ۳:۱؛ اعمال رسولان ۲۱-۵:۲۰؛ اعمال رسولان ۲۱:۲۶)، و هزاران یهودیِ ایمان‌آورده «همگی نسبت به شریعت غیور بودند» (اعمال رسولان ۲۱:۲۰).

هیچ‌جا در شریعت، سخنانِ عیسی یا انبیا اعلام نشده است که قربانی‌ها بلافاصله پس از مرگِ مسیح گناه‌آلود یا بی‌اعتبار می‌شوند. هیچ نبوتی وجود ندارد که بگوید: «پس از مرگِ پسر، آوردن حیوانات را متوقف کنید، زیرا شریعتِ قربانی لغو شده است.»

بلکه خدماتِ معبد ادامه یافت، زیرا خدا دوزبانه نیست (اعداد ۲۳:۱۹). او چیزی را مقدس فرمان نمی‌دهد و سپس بی‌سروصدا آن را ناپاک به‌شمار آورد. اگر قربانی‌ها در همان لحظهٔ مرگِ عیسی شورش شده بودند، خدا آن را آشکارا می‌گفت. نگفت.

ادامهٔ خدمتِ معبد پس از صلیب نشان می‌دهد که خدا هیچ فرمانِ وابسته به حرم را لغو نکرده بود. هر هدیه، هر آیینِ طهارت، هر خدمتِ کاهنی و هر عملِ ملیِ پرستش برقرار ماند، زیرا شریعتی که آن‌ها را بنا نهاد، تغییر نکرد.

ماهیتِ نمادینِ نظامِ قربانی

تمامِ نظامِ قربانی از نظر طراحی نمادین بود؛ نه به این معنا که اختیاری یا بی‌اقتدار باشد، بلکه چون به واقعیت‌هایی اشاره می‌کرد که تنها خودِ خدا روزی آن‌ها را به کمال می‌رساند. شفاها موقتی بودند، پاکی‌های آیینی زمان‌دار بودند و آمرزشِ گناه بارها باید دوباره جُسته می‌شد. هیچ‌یک پایانِ نهاییِ گناه یا مرگ نبودند؛ بلکه نمادهایی الهی بودند که به روزی اشاره می‌کردند که خدا مرگ را برای همیشه نابود خواهد کرد (اشعیا ۵۸:۲؛ دانیال ۱۲:۲).

صلیب این نهایت را ممکن ساخت، اما پایان واقعی گناه تنها پس از داوری نهایی و رستخیز دیده خواهد شد (یوحنا ۵: ۲۸-۲۹). از آنجا که خدمات معبد نمادهایی بودند که به واقعیت‌های جاودان اشاره می‌کردند، مرگ عیسی آن‌ها را غیرضروری نساخت. آن‌ها تا زمانی برقرار ماندند که خدا خود معبد را در داوری برداشت — نه به سبب لغو توسط صلیب، بلکه چون خدا نمادها را قطع کرد در حالی که واقعیت نهایی هنوز در انتظار کمال پایانی است.

امروز آمرزش چگونه عمل می‌کند

اگر فرمان‌های قربانی هرگز لغو نشدند و اگر نظام معبد حتی پس از صلیب ادامه یافت — تا زمانی که خدا خود در سال ۷۰ میلادی به آن پایان داد — پرسش طبیعی این است: امروز چگونه کسی آمرزیده می‌شود؟ پاسخ همان الگویی است که خدا از آغاز مقرر کرد. آمرزش همواره از راه اطاعت از فرمان‌های خدا (دوم تواریخ ۷: ۱۴؛ اشعیا ۵۵: ۷) و از راه قربانی‌ای که خود خدا تعیین کرد می‌آید (لاویان ۱۷: ۱۱). در اسرائیل باستان، مطیعان در مذبج اورشلیم پاکی آیینی می‌یافتند (لاویان ۴: ۲۰؛ لاویان ۴: ۲۶؛ لاویان ۴: ۳۱؛ عبرانیان ۹: ۲۲). امروز، مطیعان از طریق قربانی مسیح، بره حقیقی خدا که گناه را برمی‌دارد، پاک می‌شوند (یوحنا ۱: ۲۹).

این تغییر شریعت نیست. عیسی فرمان‌های قربانی را لغو نکرد (متی ۵: ۱۷-۱۹). خدا تنها جای بیرونی تلاقی اطاعت و پاکی را تغییر داد. معیار همان است: خدا کسانی را می‌آمرزد که از او می‌ترسند و فرمان‌هایش را نگاه می‌دارند (مزامیر ۱۷: ۱-۱۸؛ جامعه ۱۲: ۱۳). هیچ‌کس نزد مسیح نمی‌آید مگر آنکه پدر او را جذب کند (یوحنا ۶: ۳۷؛ یوحنا ۶: ۳۹؛ یوحنا ۶: ۴۴؛ یوحنا ۶: ۶۵؛ یوحنا ۱۷: ۶)، و پدر تنها کسانی را جذب می‌کند که شریعت او را حرمت می‌نهند (متی ۷: ۲۱؛ متی ۱۹: ۱۷؛ یوحنا ۱۷: ۶؛ لوقا ۸: ۲۱؛ لوقا ۱۱: ۲۸).

در اسرائیل باستان، اطاعت شخص را به مذبج می‌برد؛ امروز اطاعت شخص را به مسیح می‌برد. صحنه بیرونی تغییر کرده است، اما اصل نه. بی‌وفایان آن زمان با قربانی‌ها پاک نشدند (اشعیا ۱۱: ۱-۱۶)، و بی‌وفایان امروز نیز با خون مسیح پاک نمی‌شوند (عبرانیان ۱۰: ۲۶-۲۷). خدا همواره همان دو چیز را طلب کرده است: اطاعت از شریعت او و تسلیم به قربانی‌ای که خود تعیین کرده است.

از آغاز، هیچ‌گاه خون هیچ حیوانی یا هدیه هیچ غله‌ای به‌راستی صلح میان گناهکار و خدا را برقرار نکرد. آن قربانی‌ها فرمان خدا بودند، اما منبع واقعی آشتی نبودند. کتاب مقدس می‌آموزد که محال است خون گاوان و بزها گناهان را بردارد (عبرانیان ۱۰: ۴) و اینکه مسیح پیش از بنیاد جهان شناخته شده بود (اول پطرس ۱: ۱۹-۲۰). از عدن به این سو، صلح با خدا همواره از طریق پسر یگانه بی‌گناه آمده است (یوحنا ۱: ۱۸؛ یوحنا ۳: ۱۶) — همان که همه قربانی‌ها به او اشاره می‌کردند (یوحنا ۱۴: ۳۰-۱۵؛ یوحنا ۱۶: ۳). نمادهای بیرونی پایان یافتند، زیرا خدا آن‌ها را برداشت؛ اما واقعیت درونی — پاکی‌ای که از طریق پسر او به مطیعان عطا می‌شود — بی‌تغییر ادامه دارد (عبرانیان ۵: ۹).

چرا خدا معبد را ویران کرد

اگر ویرانی معبد در سال ۷۰ میلادی برای «لغو قربانی‌ها» بود، کتاب مقدس چنین می‌گفت. نمی‌گوید. عیسی خود علت را توضیح داد: داوری. او بر اورشلیم گریست (لوقا ۱۹:۴۱-۴۴)، از فرو ریختن سنگ به سنگ معبد هشدار داد (لوقا ۲۱:۵-۶) و اعلام کرد که خانه به سبب نشاندن پیام‌آوران خدا متروک خواهد شد (متی ۲۳:۳۷-۳۸). این اعلام الهیات تازه‌ای نبود؛ همان الگوی آشنای داوری بود (دوم تواریخ ۱۴:۳۶-۱۹؛ ارمیا ۱۲:۷-۱۴).

به بیان دیگر:

- معبد به سبب گناه فرو افتاد، نه به سبب تغییر شریعت.
- مذبح به سبب داوری برداشته شد، نه به سبب ناپاک شدن قربانی‌ها.

فرمان‌ها همچنان نوشته شده‌اند و جاودانه‌اند (مزامیر ۱۱۹:۱۶۰؛ ملاکی ۳:۶). آنچه خدا برداشت، ابزار اجرای آن‌ها بود.

صلیب مجوز دینی تازه بدون شریعت نداد

بخش بزرگی از آنچه امروز «مسیحیت» نامیده می‌شود بر دروغی ساده بنا شده است: «چون عیسی مُرد، شریعت قربانی‌ها، اعیاد، احکام طهارت، معبد و کاهنی همگی لغو شدند.» اما عیسی هرگز چنین نگفت؛ انبیایی که درباره او نبوت کردند نیز چنین نگفتند. بلکه مسیح روشن ساخت که پیروان راستین باید فرمان‌های پدرش را همان‌گونه که در عهد قدیم داده شده اطاعت کنند (متی ۷:۲۱؛ متی ۱۹:۱۷؛ یوحنا ۱۷:۶؛ لوقا ۸:۲۱؛ لوقا ۱۱:۲۸).

مرگ عیسی به کسی اختیار نداد که:

- احکام معبد را لغو کند
- آیین‌های تازه برای جایگزینی فصیح اختراع کند
- دهیک را به حقوق شبانان تبدیل کند
- نظام طهارت خدا را با آموزه‌های مدرن جایگزین سازد
- اطاعت را اختیاری بداند

هیچ چیز در مرگ عیسی مجوز بازنویسی شریعت نیست؛ بلکه جدیت خدا نسبت به گناه و اطاعت را تأیید می‌کند.

موضع امروز ما: اطاعت ممکن، حرمت ناممکن

صلیب و معبد در یک حقیقت گریزناپذیر به هم می‌رسند:

- شریعت دست‌نخورده باقی مانده است (متی ۱۷:۵-۱۹؛ لوقا ۱۶:۱۷).

- معبد به‌دستِ خدا برداشته شده است (لوقا ۲۱:۵-۶).

پس:

- فرمان‌هایی که هنوز ممکن‌اند، باید بدون بهانه اطاعت شوند.
- فرمان‌های وابسته به معبد باید همان‌گونه که نوشته شده‌اند حرمت نهاده شوند، اما اجرا نشوند؛ زیرا خودِ خدا مذبَح و کاهنی را برداشت.

ما امروز نسخه‌ای انسانی از نظامِ قربانی نمی‌سازیم، زیرا خدا معبد را بازنگردانده است. و قربانی‌ها را لغو اعلام نمی‌کنیم، زیرا خدا هرگز آن‌ها را لغو نکرد.

ما میانِ صلیب و کوهِ معبدِ خالی با ترس و لرز می‌ایستیم، با دانستنِ اینکه:

- عیسی برهٔ حقیقی است که مطیعانِ پدر را پاک می‌کند (یوحنا ۱:۲۹؛ یوحنا ۴:۴۴).
- احکامِ معبد همچنان به‌عنوان فرایضِ جاودان نوشته شده‌اند (مزامیر ۱۱۹:۱۶۰).
- ناممکن بودنِ کنونیِ آن‌ها نتیجهٔ داورِ خداست، نه اجازهٔ ما برای اختراعِ جایگزین‌ها (لوقا ۱۹:۴۱-۴۴؛ لوقا ۲۱:۵-۶).

صلیب و معبد، با هم

راهِ درست هر دو افراط را رد می‌کند:

- نه «عیسی قربانی‌ها را لغو کرد، پس شریعت اهمیتی ندارد».
- نه «اکنون باید قربانی‌ها را به شیوهٔ خود و بدون معبدِ خدا بازسازی کنیم».

بلکه:

- ایمان داریم که عیسی برهٔ خداست که برای مطیعانِ شریعتِ پدر فرستاده شد (یوحنا ۱:۲۹؛ یوحنا ۱۴:۱۵).
- می‌پذیریم که خدا معبد را به‌سبب داورِ برداشت، نه لغو (لوقا ۱۹:۴۱-۴۴؛ متی ۲۳:۳۷-۳۸).
- هر فرمانی را که امروز از نظر فیزیکی ممکن است اطاعت می‌کنیم.
- فرمان‌های وابسته به معبد را با نپذیرفتنِ جایگزین‌های انسانی حرمت می‌نهیم.

صلیب با معبد رقابت نمی‌کند؛ معنای معبد را آشکار می‌سازد. و تا زمانی که خدا آنچه را برداشته بازنگرداند، وظیفهٔ ما روشن است:

- اطاعتِ ممکن.
- حرمتِ ناممکن.
- و هرگز استفاده نکردن از صلیب به عنوان بهانه‌ای برای تغییرِ شریعتی که عیسی برای تحققِ آن آمد، نه برای نابودی‌اش (مقی ۱۷: ۵-۱۹).